ارکستر ملی ایران در ساری می‌نوازد

ارکستر ملی ایران به رهبری فریدون شهبازیان پنجشنبه، پنجم مردادماه با حضور در شهر ساری تازه‌ترین کنسرت خود را به خوانندگی محمد اصفهانی برگزار می‌کند. در این کنسرت موسیقایی علاوه بر اجرای قطعاتی که طی کنسرت‌های قبل برای علاقه‌مندان با صدای محمد اصفهانی خوانده شد، چند قطعه مازندرانی نیز به علاقه‌مندان ارایه می‌شود. ارکستر ملی ایران طی ماه‌های گذشته علاوه بر تهران اجراهای متعددی را در برخی شهرهای کشورمان از جمله خرم‌آباد، اصفهان و تعدادی دیگر از شهرها به خوانندگی علی‌اصغر شاه‌زیدی، علیرضا افتخاری و محمد اصفهانی برگزار کرده است.

سرخط خبرها

- با حکم میرباقری، معاون رییس سازمان در امور سیما، محمد احسانی به عنوان دبیر جشنواره تلویزیونی جام‌جم منصوب شد.
- آخرین ساخته عباس کیارستمی به عنوان فیلم افتتاحیه جشنواره بین‌المللی فیلم مستند «بوینوس آیرس» در کشور آرژانتین به روی پرده می‌رود.
- خانه نمایش از دوم مردادماه با دو نمایش «الف وارد می‌شود» و «پیشی خورد» پذیرای تماشاگران است.
- شهریار صیقلانی، آهنگساز سبک راک و متال در نمایش «بانویی از اسلو» روی صحنه می‌رود.
- محمودرضا رحیمی، کوروش نریمانی و حسین پاکدل به عنوان هیات انتخاب بخش صحنه‌ای جشنواره تئاتر رضوی معرفی شدند.
- هفته فیلم ارمنستان به همت گروه سینمایی هنر و تجربه در خانه هنرمندان آغاز شد.

خبر کوتاه

«زبان تمشک‌های وحشی» از ۹ مرداد روی صحنه می‌رود

نمایش «زبان تمشک‌های وحشی» نوشته نغمه ثمینی و به کارگردانی شیوا مسعودی از دوشنبه ۹ مرداد در تماشاخانه پالیز روی صحنه می‌رود. پیش‌فروش بلیت‌های این نمایش از ۲۹ تیر در سایت تیوال آغاز شده است. نمایش «زبان تمشک‌های وحشی»، تازه‌ترین همکاری شیوا مسعودی در مقام کارگردان و نغمه ثمینی در مقام نویسنده، از ۹ مرداد با بازی صابر ابر، الهام کردا و علی شادمان روی صحنه می‌رود. علاقه‌مندان می‌توانند از روز پنجشنبه ۲۹ تیرماه ساعت ۱۲ ظهر از طریق سایت تیوال اقدام به خرید بلیت‌های این نمایش کنند. این نمایش مرداد و شهریورماه سال جاری ساعت ۱۸:۴۵ در تماشاخانه پالیز روی صحنه می‌رود.

کارگردان «عاشقانه» سریال می‌سازد

ایرج محمدی از آغاز ساخت سریال «پاهای بی‌قرار» به کارگردانی منوچهر هادی، نویسندگی بابک کایدان و مهدی محمدنژادیان در روزهای آینده خبر داد. به گفته تهیه‌کننده این سریال، «پاهای بی‌قرار» در مرحله تحقیق و نگارش بوده و تاکنون ۴۰ قسمت از این مجموعه ۶۰ قسمتی به نگارش درآمده است. شروع تصویربرداری آن منوط به ساخت مجموعه «آرمان ۲» خواهد بود که ساخت آن تا دو هفته دیگر به اتمام می‌رسد. «پاهای بی‌قرار» یک مجموعه ۶۰ قسمتی بوده و در حال حاضر نگارش بخش اعظمی از آن به پایان رسیده است. این سریال در دو فصل می‌گذرد. یک فصل مربوط به سال‌های ۵۷ تا ۶۴ و فصل دیگر مربوط به زمان حال. بازیگرانی چون پانته‌آ بهرام، مسعود رایگان و مهرانه مهین‌ترابی برای فصل اول سریال و حمید گودرزی و لیندا کیانی و افسانه ناصری برای فصل دوم مجموعه قرارداد بسته‌اند. ایسنا

ویژه برنامه «شب‌های جز» در فرهنگسرای نیاوران

ویژه برنامه «شب‌های جز» طی روزهای هفتم و هشتم مردادماه امسال با حضور تعدادی از گروه‌ها و هنرمندان فعال این گونه موسیقایی در فرهنگسرای نیاوران تهران برگزار می‌شود. در این برنامه هنرمندانی چون سردار سرمست با همراهی هنرمندانی چون عمید بنکدار و فرهاد لقایی قطعاتی را اجرا می‌کنند. گروه امیر دارابی با هنرمندی مجید سالاری، خواننده و حمزه یگانه و امین طاهری نیز از دیگر مجموعه‌هایی هستند که به اجرای برنامه می‌پردازند. از دیگر برنامه‌هایی که قرار است در ویژه برنامه «شب‌های جز» به اجرای برنامه بپردازند می‌توان به اجرای آرشید آذرین با همراهی ماکان اشگواری، روزبه فدوی و امیر رفعتی اشاره کرد، ضمن اینکه هوشیار خیام نیز با همراهی میلاد محمد، نوازنده تار قطعاتی را اجرا می‌کند. ویژه برنامه «شب‌های جز» به همت موسسه «ساز باز» ساعت ۲۱ روزهای هفتم و هشتم مرداد ماه در فرهنگسرای نیاوران تهران برگزار می‌شود.

نامزدهای بهترین ترانه تیتراژ «جشن حافظ» معرفی شدند

نامزدهای بخش بهترین ترانه تیتراژ فیلم یا سریال «هفدهمین جشن حافظ» معرفی شدند. نامزدهای بخش بهترین ترانه تیتراژ از میان فیلم‌ها و سریال‌هایی انتخاب شدند که سال ۹۵ پخش شده‌اند و در تیتراژ ابتدایی یا انتهایی آنها ترانه‌ای اجرا شده است. سالار عقیلی برای سریال «معمای شاه»، قطعه «خون غزل»، محمدعلیزاده برای سریال «برادر» قطعه «برادر»، فرزاد فرزین و فریدون آسرایی برای سریال «عاشقانه» قطعه «کمک کن»، «کاکوبند» برای سریال «آسپیرین» قطعه «سقوط»، محمد معتمدی برای فیلم «سیانور» قطعه «سوگند» و سونو نیگام برای «سلام بمبئی» قطعه «آفت جان» نامزد دریافت جایزه شدند. برگزیده این بخش مردادماه امسال در هفدهمین جشن سینمایی و تلویزیونی حافظ معرفی می‌شود.

فیلم‌های مهمان قدیمی‌ترین جشنواره سینمایی جهان

در فاصله چند روز مانده به اعلام فیلم‌های حاضر در هفتادوچهارمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم ونیز، نشریه ورایتی در گزارشی به معرفی فیلم‌هایی پرداخته است که پیش‌بینی می‌شود میهمان قدیمی‌ترین جشنواره سینمایی جهان باشند. فیلم «حومه شهر» جدیدترین فیلم به کارگردانی «جورج کلونی»، «شکل آب» ساخته «گیلرمو دل تورو» کارگردان سرشناس مکزیکی، «ویکتوریا و آبل» از «استفتن فریرز» و جدیدترین ساخته «پائولو ویرزی» کارگردان ایتالیایی، از مطرح‌ترین فیلم‌هایی هستند که شانس زیادی برای نمایش در ونیز ۲۰۱۷ دارند. ساخته جدید «جورج کلونی» با بازی «مت دیمون»، «جولین مور»، «جاش برولین» و «اسکار ایسلاک»، یک کمدی سیاه با فیلمنامه‌ای از برادران «کوئن» است. هفتادوچهارمین جشنواره فیلم ونیز از تاریخ ۳۰ آگوست تا ۹ سپتامبر (۸ تا ۱۸ شهریورماه) در ایتالیا برگزار می‌شود.

ادامه از صفحه ۹

مجموعه عجیبی از اصلاح‌طلبی و اصولگرایی‌ام

حرف از آزاداندیشی زدید اما من فکر می‌کنم در فیلم‌هایی سیاسی نمی‌شود ادعای آزاداندیشی داشت. به هر حال گرایش ما به وقایع مشخص است. در چنین شرایطی می‌شود عدالت و واقعیت را در روایت یک ماجرا در نظر گرفت؟

واقعیت چیست؟

آن چیزی که ذهن من می‌سازد!

واقعیت همان چیزی است که ذهن شما به عنوان مخاطب یک اثر می‌سازد. حالا چطور می‌توانید بگویید واقعیت چیست؟

یک فیلمساز چطور می‌تواند از واقعیت حرف بزند؟!

همین است! هر کسی از ظن خود شد یار من. وقتی ما نمی‌دانیم واقعیت چیست، مجبوریم به پوسته ظاهری امر بپردازیم و هی بگوییم این قلب واقعیت است. خب روی کار بودن حکومت مستقر و اسلحه کشیدن گروهی مسلح علیه آن و علیه مردم یعنی چه؟ این اتفاق در هیچ جای دنیا مرسوم نیست. یادمان نرود در امریکا ارتش با فرقه دیویدیه چه کرد. با زن و مردشان و مزرعه‌ای که تبدیل به زرادخانه کرده بودند. وقتی مفاهیم نسبی است، چه کسی می‌تواند بگوید واقعیت چیست؟ چند وقت پیش دو گرایش سیاسی مختلف از حضرت علی (ع) نقل قول‌هایی کردند که همه‌شان هم درست بود و هیچ یک از طرفین نتوانست آن یکی را نقض کند. در این وضعیت تکلیف چیست؟! به نظرم حقیقت یک مفهوم گمشده است. در اروپا و امریکا هم که می‌گویند گردش آزاد اطلاعات وجود دارد، تا جایی امکان دسترسی به واقعیت فراهم است. اینکه ما مدام همه‌چیز را مورد قضاوت قرار می‌دهیم، ویژگی تمدن و شهرنشینی است. پس به واقعیت از دید خودمان نگاه می‌کنیم. مشکل ما این است که رسانه حرفه‌ای نداریم! فرض کنید حکومت بخواهد خوانش خودش را از تاریخ و وقایع سیاسی برای مردم جا بیندازد؛ متاسفانه حتی برای همین هم رسانه حرفه‌ای ندارد. فیلم «نجات سرباز رایان» و... اینها مانیفست امریکایی است. به‌به می‌کنیم و کسی نمی‌گوید سفارشی است. اما به فرض محال و باور به اینکه ماجرای نیمروز فیلم سفارشی است، مجوزی می‌شود که همه نه تنها محتوای «ماجرای نیمروز» بلکه سازندگان و عواملش را قضاوت می‌کنند! کسی مثل دکتر زیباکلام برآورد مالی ذهنی هم ارایه دادند حتی. آن هم فیلمی که خودش اصلا قضاوت نمی‌کند. به مجاهدین خلق نزدیک نمی‌شود که قضاوت‌شان نکند اصلا. در دیالوگ‌ها و میمیک‌ها حتی. تنها حرفش این است که خشونت، خشونت می‌آورد و خشونت کنی اجازه خشونت کردن می‌دهی! و اینکه این شهر همین تهران روزگاری نه چندان دور پر از گلوله و ترور و خشونت و خون بوده است. اینکه بترسیم از انشقاق و ناخن کشیدن به هم. اینکه سیاسیون اینقدر عصبانی نباشند و طرفدارانشان را عصبی نکنند.

این همه آدم که برای مقاصد سیاسی‌شان تلاش کردند، زندان رفتند و حتی شغل‌شان را از دست دادند مگر نمی‌توانستند اسلحه در دست بگیرند؟! آنها از هر طیفی برای من آدم‌های قابل احترامی هستند.

لابه‌لای پذیرفتن این نقش‌ها نگران مخدوش شدن چهره‌تان به عنوان بازیگر نیستید؟!

من شأن هنر را آنقدر بالا می‌دانم که برایم مهم نیست عامه مردم چه می‌گویند. در حال حاضر هم مغضوب دو گروه سیاسی هستم. سر وقایع سال ۸۸ تصاویری از هر دو طیف دیدم که واقعا جای تعجب داشت. حالا می‌گوییم سرباز ضد شورش را اگر رها کنید، نابود می‌کند و اصلا کارش همین است اما خشونتی که یک آدم معمولی نسبت به جوان ۱۸ ساله هموطنش از هر دو طرف اعمال می‌کند، چه توجیهی دارد؟ بسیجی با غیر بسیجی. به خدا اینها ترسناک است! جوانی که با هر تفکری مادری دارد و انتظارش را می‌کشد. او هم هموطن من است، همان که الان گوشه‌ای گیرش آورده‌ایم و کتکش می‌زنیم. نه سرباز ضد شورش. من دارم کتکش می‌زنم. من می‌ترسم از این دور شدن‌ها. از این عصبانیت‌های دو طرفه. از اختلافی که به نفرت تبدیل شود. می‌دانید زیباترین تصویری که در انتخابات این دوره ریاست‌جمهوری دیدم، چیست؟ تصویری بود که دو نفر دست در گردن هم انداخته‌اند و یکی عکس رییسی را در دست داشت و دیگری عکس روحانی را. با وجود اینکه تا توانستم به نفع آقای روحانی رای جمع کردم، اما از دیدن این تصویر کیف کردم. اینکه آدم‌ها با وجود اختلاف کنار هم بمانند. متاسفانه وقتی اصول تیز می‌شود، آدم‌ها زخم می‌خورند و با هم درگیر می‌شوند. وقتی پای نسبت خونی و رفاقت وسط می‌آید، باید سیاست کمرنگ شود. به همین خاطر من عاشق اتفاقات ملی‌ام. یک بار هم مطلبی نوشتم که ما در عزاهای ملی، متفرق‌تریم اما در شادی ملی خیلی متحد می‌شویم. من چهره‌های معتدل را از هر دو طرف دوست دارم. با اینکه به وضوح طرفدار اصلاحاتم اما از تندروهای جبهه اصلاحات همانقدر دلگیرم که از تندروهای اصولگرا.

ای کاش روزی برسد که بتوانیم همه‌چیز را درست تشخیص دهیم. لازمه این تشخیص درست هم داشتن معیار است، تا معیار درستی از هر دو طرف نداشته باشی، نمی‌توانی به تشخیص برسی. یادمان نرود قبل از هر چیزی یک کشور و نظام مستقر وجود دارد که حاصل خون هزاران شهید است. هیچ کس نمی‌تواند منکر این مساله شود. من از سوءاستفاده کردن از خون‌های ریخته شده ناراحتم اما نمی‌توانیم و هرگز نباید آنها را منکر شویم. فیلم سیاسی ساختن و بازی کردن بالاخره عواقبی هم دارد و طبیعی است که از هر دو طرف مورد فشار قرار بگیری. آرزو می‌کنم روزی برسد که تنها حرکت سیاسی ما رای دادن باشد. همچنان معتقدم هنر و ادبیات می‌تواند دنیا را نجات دهد و دغدغه‌ام هم همین است. می‌گویم کاش سیاسی نباشیم اما نصف حرف‌هایم سیاسی شد. خودم مثال نقض حرف‌هایم شدم. خب من عاشق این کشورم. در تمام انتخابات‌ها شرکت کرده‌ام. در جنگ آسیب دیده‌ام اما نمی‌توانم منتقد هم نباشم. انتقاد بیمه حوادث این کشور و حکومت است.

دیوار

با فروش آثاری از هنرمندان مدرنیست ایرانی در کنار جوان‌ترها

آغاز ۱۲۵ میلیونی «صداثر، صدهنرمند»

آغداشلو و پیلارام؛ گران‌ترین آثار

در این نمایشگاه در مجموع ۲۵۷ اثر به نمایش گذاشته شده است. گران‌ترین آثار این دوره از «صداثر صدهنرمند» تابلوهای آیدین آغداشلو و فرامرز پیلارام است. این آثار هر یک ۹۰ میلیون تومان قیمت‌گذاری شده‌اند. در کنار این دو اثر عکسی متفاوت از عباس کیارستمی هم با قیمت ۱ میلیون و پانصدهزار تومان برای فروش عرضه شده است.

علی مطلب‌زاده

نمایشگاه «صداثر، صدهنرمند» روز جمعه با استقبال از این نمایشگاه و فروش ۱۲۵ میلیون تومانی کار خودش را شروع کرد تا باسابقه‌ترین رویداد فروش آثار در بخش خصوصی که گالری گلستان برگزارکننده آن است در سالگرد بیست‌وپنج سالگی‌اش همچنان موفق باشد. در افتتاحیه این نمایشگاه ۳۵ اثر در مجموع به قیمت ۱۲۵ میلیون تومان به فروش رسید؛ فروشی که به گفته لیلی گلستان سهم عمده‌ای از آن مربوط به آثار هنرمندان جوان بود: «فروش افتتاحیه فوق‌العاده بود. جوان‌ها عالی بودند، آن هم در شرایطی که ما امسال سختگیری بیشتری داشتیم. خیلی‌ها هم رد شدند که ان‌شاءالله سال آینده. از این تعداد انتخاب‌شده هم برای خیلی از کارها در شب اول روی دیوار جا نبود و ما شرمنده کسانی شدیم که کارشان روی زمین مانده بود. هرچند با فروش ۳۵ اثر در شب اول بخشی از این آثار هم روی دیوار رفتند.» در این نمایشگاه در مجموع ۲۵۷ اثر برای چیزی حدود یک ماه برای خریداران و با قیمت‌های متفاوت به نمایش گذاشته شده است. گران‌ترین آثار این دوره از «صداثر، صدهنرمند» تابلوهای آیدین آغداشلو و فرامرز پیلارام است. این آثار هر یک ۹۰ میلیون تومان قیمت‌گذاری شده‌اند. در کنار این دو اثر عکسی متفاوت از عباس کیارستمی هم با قیمت ۱ میلیون و پانصدهزار تومان برای فروش عرضه شده است. بیست‌وپنجمین دوره «صداثر، صدهنرمند» نگاهی ویژه به هنرمندان مدرنیست ایرانی هم داشته است. کارهایی از ناصر اویسی، رضا مافی، پرویز کلانتری، ایران درودی، منوچهر معتبر، علی ترقی‌جاه، فرح اصولی، سیاوش کسرایی و دو اثر کوچک از محمد احصایی در این مجموعه ارایه شده‌اند. قیمت این کارها از ۹ میلیون تومان تابلوی کوچکی از فرح اصولی شروع می‌شود و تا اثر ۸۰ میلیون تومانی کلانتری پیش می‌رود. آثار دیگر این بخش از نمایشگاه هم با قیمت‌های ۲۵، ۳۰، ۳۵، ۴۰ و ۴۵ میلیون تومان عرضه شده‌اند. اما مجسمه‌ها بخش جذاب این دوره از «صداثر، صدهنرمند» است که شامل آثاری از هنرمندانی مثل ژاله تباتبایی، محمدحسین عماد، رضا قره‌باغی و... می‌شود. این آثار هم از ۲ و نیم میلیون تا ۸ میلیون تومان ارایه شده‌اند. بیست‌وپنجمین دوره «صداثر، صدهنرمند همچون دوره‌های گذشته توجه ویژه‌ای به هنرمندان جوان داشته است. قیمت آثار این هنرمندان که دو دیوار گالری گلستان را به خود اختصاص داده‌اند با آثار قطع کوچک ۳۰۰ هزار تومانی آغاز می‌شود. بیشتر آثار ارایه شده در این بخش آبستره هستند. قیمت‌های دیگر این آثار از ۸۰۰ هزار تومان تا یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان است. در این بخش نام بسیاری از هنرمندان جوان دیده می‌شود که امضای برخی از آنها شناخته‌شده است و بسیاری هم هستند که برای نخستین‌بار در این نمایشگاه حاضر شده‌اند. در دیوار دوم آثار دیگری از هنرمندان جوان در قطع‌های بزرگ‌تر به نمایش درآمده است؛ آثاری با تکنیک‌های آبرنگ، رنگ‌روغن روی بوم یا کاغذ که موضوع بیشتر آنها طبیعت و مناطق روستایی است. این آثار بین دو تا سه میلیون تومان قیمت‌گذاری شده‌اند. اما هنرمندان شهرستانی هم در بیست‌وپنجمین دوره «صداثر، صدهنرمند» حضوری ویژه دارند. این آثار روی یکی دیگر از دیوارهای گالری گلستان به نمایش درآمده و در بین آنها آثار هنرمندان اصفهانی که در زیرمجموعه گروه فرهنگی و هنری «لوتوس» فعالیت می‌کنند بیشتر به چشم می‌آید. در این بخش از نمایشگاه آثار متنوعی از نقاشی مینی‌مالیستی گرفته تا آثار فیگوراتیو و انتزاعی با قیمت‌های یک‌ونیم تا ۴ میلیون تومان به نمایش گذاشته شده است. بیست‌وپنجمین دوره «صداثر، صدهنرمند» تا ۲۵ مردادماه در گالری گلستان به نشانی دروس، خیابان کماسایی، شماره ۳۴ هر روز از ۱۶ تا ۲۰ دایر است. این نمایشگاه تنها روزهای پنجشنبه تعطیل است.

صحنه

حسین کیانی از غیاب «درام مساله‌دار» می‌گوید

زنگ خطر به صدا درآمده است

بابک احمدی

چندی قبل از افزایش آمار نمایش‌هایی با مضمون اجتماعی در دولت یازدهم نوشتیم؛ جریانی که در دولت‌های نهم و دهم تا مرز توقف کامل پیش رفت و معدود آثاری هم که در این زمینه اجرا می‌شد به شکلی کاملا سفارشی و رانتی روی صحنه می‌آمدند. حسین کیانی از جمله نمایشنامه‌نویسان و کارگردانان تئاتر است که معمولا به اینگونه مضامین علاقه نشان می‌دهد، گرچه بخش عمده‌ای از متونی که تا به حال نوشته و به صحنه آورده به موضوع‌ها یا وقایع تاریخی توجه داشتند. این کارگردان حالا تصمیم به اجرای نمایش «روز عقیم» دارد که به نوعی تلفیق دو زمینه تاریخی و اجتماعی را در بر می‌گیرد. او در این باره می‌گوید: «متن «روز عقیم» جدا از دغدغه‌ها و مسائل دیگر آثارم نیست در واقع همان پرسش‌هایی که در کارهای قبلی‌ام وجود داشته در اینجا هم وجود دارد و داستان این بار به دوره‌ای که یکی از مهم‌ترین دوره‌های دگرگونه تاریخ ایران است، یعنی تغییر رژیم گذشته بر می‌گردد.» به گفته کیانی این نمایش نگاهی دارد به وضعیت سه زن که در محله قلعه زاهدی زندگی می‌کردند تا اینکه آن محله مورد هجوم و تخریب قرار می‌گیرد و آنها به جایی پناه می‌برند که اتفاقات عجیبی برای‌شان رخ می‌دهد. اهمیت گیشه تئاتر در چند سال اخیر از جمله مسائلی است که بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد؛ رویکردی که گلایه بعضی هنرمندان را به همراه داشته و کیانی نیز از این قاعده مستثنی نیست. «تئاترهایی که این روزها روی صحنه می‌روند باعث شده‌اند درام جدی و مساله‌دار در حال زدودن شدن از صحنه‌ها باشد و این یک زنگ خطر است؛ زنگ خطری که چند سالی است برای تئاتر ملی و بومی ما به صدا درآمده است.» اما این کارگردان تاکید دارد «گوش شنوایی برای شنیدن صدای این زنگ وجود ندارد» و ادامه می‌دهد: «اگر این رویه همین‌طور ادامه پیدا کند، دیگر شاهد درام‌های جان‌دار نخواهیم بود و بیشتر اقتباس می‌بینیم یا مانند برخی نمایش‌هایی که اخیرا اجرا می‌شود از هر چمنی، گلی می‌چینند و کولاژی درست می‌کنند که مخاطب را مثل سیرک به سالن می‌کشاند اما این درام‌ها وصف حال روزگار ایران نیست.»

به نظر کیانی ابتذالی حاکم شده که حتی گریبان «تاریخ‌نویسی» را هم گرفته است. «تنها هنری که می‌تواند تاریخ‌نویسی را از این ابتذال نجات دهد نمایشنامه‌نویسی است. تاریخ‌نویسی در سینما و تلویزیون و در قالب سریال‌هایی که ساخته می‌شود به ابتذال رفته و در محتوا، زبان، گویش و حتی لباس شاهد جعل تاریخ هستیم که اینها صرفا به خاطر پسند مخاطب اجرا می‌شود. مخاطبی هم که کتاب نمی‌خواند متوجه نخواهد شد چه خوراکی به او داده می‌شود.» نمایش «روز عقیم» مساله‌ای «ریشه‌دار در جامعه» را مطرح می‌کند؛ مساله‌ای که به گفته کیانی حل آن برعهده هنر و هنرمندان نیست، بلکه مسوولان باید به آسیب‌شناسی و حل آن بپردازند. «در دهه اخیر آثار ارزشمندی درباره این موضوع تولید نشده اما آثار هنری متفاوتی در دهه‌های گذشته در این باره ساخته شده از جمله فیلم مستند به کارگردانی کامران شیردل، فیلمنامه «آینه‌های روبه‌رو» به نویسندگی بهرام بیضایی، رمان «طوطی» نوشته زکریا هاشمی یا رمان «بادها خبر از تغییر فصل می‌دهند» که البته همه اینها جزو منابع کیانی برای نگارش متن «روز عقیم» بودند. این نمایش با ایفای نقش شایسته ایرانی، الهه شه‌پرست و فهیمه امن‌زاده، مثل تجربه یکی دو سال اخیر کیانی بار دیگر در سالن تئاتر باران روی صحنه می‌رود. به این ترتیب نمایش دیگری با زمینه اجتماعی جدی از حسین کیانی به صحنه خواهد آمد و چنانچه تجربه‌های قبلی او نشان می‌دهد این تجربه نیز قطعا با مسائل و آسیب‌های اجتماعی روز نیز پیوند عمیق برقرار می‌کند.

قفسه

اشعار طنز آمیزی از بهاءالدین خرمشاهی منتشر شد

«دلرباعی‌ها» به روایت خرمشاهی

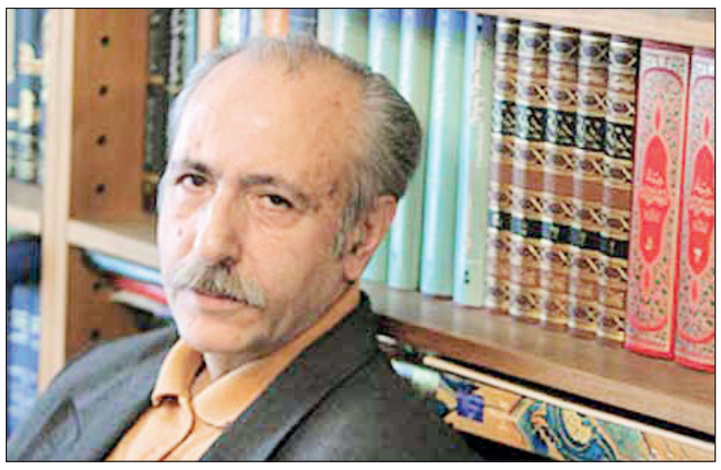

ندا آل‌طیب

«دلرباعی‌ها» کتاب تازه‌ای از بهاءالدین خرمشاهی است که به تازگی منتشر شده است. خرمشاهی را بیشتر به عنوان حافظ‌شناس و قرآن‌پژوه و مترجم قرآن می‌شناسیم اما این چهره فرهنگی که در محضر استادانی چون ذبیح‌الله صفا، سیدجعفر شهیدی، پرویز ناتل‌خانلری، مهدی محقق و... درس گرفته است در کنار تمام مباحث جدی که به آنها توجه داشته در طنزنویسی نیز صاحب اثر است و به تازگی مجموعه‌ای از رباعیات طنزآمیز او در کتابی با نام «دلرباعی‌ها» منتشر شده است. به گزارش ایسنا، «دلرباعی‌ها» مجموعه ۲۰۰ رباعی طنزآمیز با موضوعاتی همچون شعر و شاعری، ازدواج، عشق، دست‌شکستگی، فیش حقوقی، دین‌پژوهی، سفرنامه، مرگ‌اندیشی، نقیضه (طنزمیز) شعر خیام و... است. آقای نویسنده در پیشگفتار کتابش نوشته است: «ابتدا که سینه تاحدودی صاف است و دست کم دو موتور از چهار موتور نگارنده این سطور روشن، می‌توانم به یک بحث فرعی بپردازم. بحث فرعی این است که گویی قلمم سبک است که تا در مصاحبه یا مباحثه‌ای می‌گویم - و مثال‌های واقعی - کتابی در دست تالیف و یا تولید دارم به نام «رعد و برق بی‌باران» یا «زبان پدری» (به استعاره از دین و تقابل با زبان مادری ساخته‌ام) و یا «بی‌ادبیات» (طنزهای جلف پرخواننده با چاپ مرغوب عالی‌تر از فتوکپی‌های برفک‌دار) و یا «تا شقایق هست» (برگرفته از شعر سهراب سپهری) ناگهان می‌بینم که یک عده صاحبدل صاحب‌قلم در اتوبان رقابت لایی یا حتی مویی کشیده و هر چهار عنوان را به رسم هدیه یا یادگار از این قلم‌رنجه‌نویس پذیرفته‌اند. به قول معروف، اصرار که بیشتر از این نمی‌شود.» او هرچند برای امر سنت در شعر و هنر اهمیتی بسیار قایل است، اما این پایبندی دست و پای او را برای نوآوری نبسته است و در توضیح سبک و سیاق اشعار کتاب تازه خود و اوزان شعری آن می‌افزاید: «با حفظ وزن رباعی، قالب را دستکاری هم کرده‌ام یا یک داستان کوتاه را در چند رباعی پیوسته عرضه می‌دارم. یا گاهی رباعی را به صورت قطعه دوبیتی یا به شکل مثنوی آورده‌ام. این عنوان هم برگرفته از این مصرع زیبا، اثر طبع جناب نصرت فیروزپور است که در امر قضا و قدر است.» این کتاب از سوی نشر «مروارید» منتشر شده و شرح داستان نگارش آن به قلم نویسنده نیز خالی از لطف نیست که خرمشاهی در واپسین بخش پیشگفتار کتابش نوشته است: «در بخش آخر این پیشگفتار از عنوان «دلرباعی‌ها» یاد کنم که داستانش به کوتاهی از این قرار است که ناشر فرهیخته‌ای (منوچهر حسن‌زاده، مدیر نشر دُرّ و «مروارید») چند بار از بنده درخواست کتابی طنزآمیز کردند. ۱۰ روز پیش دیدم حدود بیش از ۱۰۰ رباعی طنزآمیز دارم که گفتم به یاری حق تا دو، سه ماه مانده به پایان سال، مجموعه ۲۰۰ رباعی با عنوان دلرباعی‌ها به حضورشان تقدیم می‌کنم.» خرمشاهی که‌زاده سال ۱۳۲۴ در قزوین است، بیشتر تمرکز خود را بر حافظ پژوهشی گماشته است و تاکنون ۱۲ اثر در زمینه اشعار خواجه شیراز به نگارش درآورده است و در کنار آن از قرآن نیز غافل نشده و علاوه بر ترجمه آن آثار دیگری را در باب این کتاب آسمانی نگاشته است. اما اینها همه موجب نشده که فعالیت او تنها در این حوزه‌ها محدود شود که او در کنار آثار تالیفی خود در حوزه ترجمه نیز پرکار بوده است و ترجمه آثاری همچون «شیطان در بهشت» از هنری میلر، «علم در تاریخ» اثر جان برنال، «درد جاودانگی» اثر میگل داونامونو و... گواه این موضوع است. اما فهرست تالیف‌های او بسیار بیش از این است که از آن میان می‌توان آثاری همچون «طنز و تراژدی»، «کژتابی‌های ذهن وزبان»، «فرصت سبز حیات»، «از شک تا یقین» و... را نام برد. به جز اینها چند مجموعه شعر هم دارد با نام‌ها «زنده میری»، «آه و آیینه» و... تازه‌ترین کتاب او «دلرباعی‌ها» در ۱۳۳ صفحه با شمارگان ۱۱۰۰ نسخه در قطع جیبی و با قیمت ۷ هزار تومان راهی بازار شده است.

> خرمشاهی بیشتر تمرکز خود را بر حافظ پژوهشی گماشته است و تاکنون ۱۲ اثر در زمینه اشعار خواجه شیراز را به نگارش درآورده و در کنار آن از قرآن نیز غافل نشده است

آن‌سوی آب‌ها

ستاره تازه‌ترین فیلم کریستوفر نولان

تبلیغ برای اسکار شرم‌آور است

بهار سرلک

دو هفته از اکران فیلم «دانکرک» تازه‌ترین ساخته کریستوفر نولان می‌گذرد و در این مدت منتقدان در معرفی و نقد این فیلم پنج‌ستاره به آن داده‌اند. از طرفی این فیلم را جزو آثار شایسته حضور در نودمین دوره آکادمی اسکار معرفی کردند.

در حالی که بسیاری نولان را سزاوار نامزدی در بخش بهترین کارگردانی اسکار می‌دانند و تصویربرداری، عوامل پشت صحنه و گروه بازیگران را تحسین کرده‌اند اما مارک رایلنس را تنها بازیگری که مدعی کسب جایزه بهترین بازیگری مرد مکمل است، معرفی کرده‌اند. نولان در فیلم «دانکرک» صحنه جنگ جهانی دوم را به نمایش می‌کشد و رایلنس شخصیت آقای داوسون غیرنظامی بریتانیایی را ایفا می‌کند که قایقش را برای نجات جان سربازها در ساحل فرانسه به آب می‌اندازد. او می‌گوید تلاشی برای به دست آوردن جایزه آکادمی اسکار نخواهد کرد.

رایلنس ۵۷ ساله در مصاحبه با نشریه «Time Out Magazine» گفته است اگرچه جایزه بهترین بازیگری مرد مکمل را برای بازی در فیلم «پل جاسوس‌ها»ی استیون اسپیلبرگ در سال ۲۰۱۶ به خانه برده است اما این روزها وقتش را برای روی صحنه رفتن در تئاتر وستاند و بازی در نمایش «Nice Fish» می‌گذراند و در کمپین‌های تبلیغ این فیلم برای به دست آوردن جایزه اسکار دخالتی ندارد. او می‌گوید: «راه انداختن کمپین برای تبلیغ فیلم و به دست آوردن جایزه شرم‌آور است. مثل این است که خودت را بفروشی. هرگز این کار را نمی‌کنم. رفتاری نامحترم و وقت‌گیر است. خوشبختانه، مجبور نیستم بحثی فلسفی داشته باشم چرا که مشغول بوده‌ام.» با این وجود، شرکت نکردن رایلنس در تبلیغ و معرفی فیلم او را به پیروزی نزدیک‌تر خواهد کرد یا حداقل توجه رای‌دهندگان آکادمی را به خود جلب کرده است. رایلنس پس از خواندن فیلمنامه نولان نگران این موضوع می‌شود که ممکن است داستان تجلیلی از جنگ باشد اما بعد از مذاکراتی مفصل با نولان درباره پیام فیلم تصمیم می‌گیرد ایفای نقشی را در این فیلم بپذیرد. او می‌گوید: «خب، کریس با من تماس گرفت. او اجازه نمی‌داد نماینده‌ام فیلمنامه را بخواند. اما بله، ما مذاکره‌ای در این باره داشتیم. فیلم درباره آلمانی‌ها، فرانسوی‌ها یا انگلیسی‌ها نیست. درباره موقعیتی خاص در تاریخ و همچنین در تمامی جنگ‌ها است؛ در واقع زمانی که اتفاقی کاملا دور از انتظار روی می‌دهد... موضوعی که من را علاقه‌مند کرد قرائت گیرای نولان از انسان در شرایط خارق‌العاده بود. بنابراین فکر نمی‌کنم اینکه شخصیتم در این فیلم ضدجنگ است، این رویداد را غیرواقعی و ایده‌آل جلوه دهد.»

«دانکرک» داستانی واقعی از در محاصره قرار گرفتن سربازان متفق کشورهای بلژیک، بریتانیا و فرانسه، توسط ارتش آلمان جنگ جهانی دوم است. این سربازان در تلاشند از این موقعیت دشوار جان سالم به در ببرند. نولان این فیلم را از سه زاویه دید روایت می‌کند: افرادی که روی زمین قرار دارند (فیون وایت‌هد، هری استایلز)، افراد روی دریا (کیلین مورفی، مارک رایلنس) و افرادی که در آسمان در هواپیماها هستند (تام هاردی.) این فیلم تقریبا دیالوگ کمی دارد و رایلنس درباره این تصمیم نولان به هالیوود ریپورتر گفته است: «[دیالوگ کم] واقعی به نظر می‌رسد. انگلیسی‌ها، به خصوص، آدم‌های به‌شدت خودداری بودند چون در جامعه آن زمان اعتقاد داشتند اگر احساسات را به کسی ابراز کنی، خودت را به آنها تحمیل می‌کنی؛ یعنی اینکه با گفتن مشکلاتت روی افکار و روحیه آنها اعمال نفوذ می‌کنی. نمی‌دانم عقیده‌ای درست باشد یا نه. اما مطمئنا وقتی عقیده رایج شد پدرم ۶ سال داشت و در طول زندگی‌اش این عقیده را داشت. او احساساتش را با کسی در میان نمی‌گذاشت.»